

جلسه سوم: نصرت ولی خدا مهمترین آزمون جامعه اسلامی

مردم کوفه به جهت تهدید قطع عطایا حضرت را نصرت نکردند، شهدا با اعتماد به رزاقیت خدا زن و فرزند را رها کرده و به خدا سپردند، آیت الله بهجت: هیچ بچه ای به مادر نمیگوید غذای فردایش را طلب نمیکند.

یکی از بازیگری های نفس این است که مرتب میگوید: نه من که این گونه نیستم. روایت: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ»، البته تدبیر هم میخواهد. قناعت هم میخواهد. جشن پر و پیمان نه. میرسد طبق زیست معیشتی اسلام، استانداردهای بچه را از اول بالا نبند. حاکمیت اسلام نیاز دارد و ما توجه نمیکنیم. اسلام میگوید: ان مع العسر يسرا ما میگوئیم ان بعد العسر يسرا پس مینشینیم تا خودش درست میشود داستان کوه نوردی که آویزان هست نیم متری زمین و یخ میزند. فرزندى که بالای بلندی ایستاده و پدر میگوید بپر، نوجوان تردید میکند. چند بار سوال میپرسد، پدر میگوید نپر الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

ما به چه کسی اعتماد میکنیم؟ فلان قرض یا فلان معامله اشتباه هست.

آقای عالی: آقای برقى روضه خوان آقای شیخ جعفر مجتهدی (در محضر لاهوتیان) در ذهنش بوده که بلند شوم و بروم کاری بکنم، سه بار قصد بلند شدن میکند، شیخ جعفر میگوید بنشین. خودش میرسد جوانی میاد یک ماشینی را جلوی شیخ جعفر تقدیم میکند، ایشان میدهد به برقى میگوید من يتق الله يجعل له مخرجا

برقى میخواست برود سراغ فامیل که ماشینی برایش جور کند چون سنش بالا است و نمیتواند روضه برود

البته توجه بشود به اینکه برکت در مسیر حرکت است. نباید منتظر معجزه باشیم.

ذَكَرَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ غَلَاءُ السَّعْرِ فَقَالَ وَمَا عَلِيٌّ مِنْ غَلَاءٍ إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخَصَ فَهُوَ عَلَيْهِ.

ما تا بازار تکان میخورد مضطرب میشویم؟

البته تاکید بر اینکه نافی تقصیرات نیستیم